

سخنگوی دستگاه قضائی در پاسخ به «شرق» درباره آمار بازداشتی‌ها و جان‌بخنگان حوادث اخیر زاهدان:

آمار دقیقی در دسترس نیست

صفحه ۲

وزیر آموزش و پرورش در گفت‌وگو با «شرق»:

دانش‌آموزان بازداشتی را به مراکز روان‌شناسی فرستادیم

نمی‌توانم آمار دقیقی از تعداد بازداشتی‌ها بدهم

صفحه ۴

روزنامه شرق

چهارشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۱ • ۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ • ۱۲ اکتبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۹۲ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: چالش زباله در پایتخت، برجام در چاه «ویل»، نابرابری و خشم فروخورده مردم **و یادداشت‌هایی از** علی‌احمد رفیعی‌راد، امیر عربی، ابراهیم ایوبی، نادر شهریوری

معتدل‌ها در مقابل تندروها به صف شدند

ترمز اصولگرایی

ضرغامی خطاب به عملکرد ستاد امر به معروف و نهی از منکر: مردم اگر نخوان امر به معروف بشن باید کیو ببینن؟

گزارش تیتریک را در صفحه ۲ بخوانید



روایتی از تنودور آدورنو

در ستایش تعهد

۱۱

یادداشت

رؤیای نافرجام طبقه متوسط

سامان صفرزانی: به نظر می‌آید سردرگمی و تشویش سیاسی و اجتماعی در ایران امروز به دلیل شکست طبقه متوسط در پیشبرد پروژه‌های است که دست‌کم از ۲۵ سال قبل قرار بود پاسخ‌گوی مسائل متعدد کشور باشد: ساخت و توسعه دولتی روشنفکر، تجربه تحولات زیروزبرکننده در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ (انقلاب، جنگ داخلی در سال ۶۰ و جنگ با صدام حسین و متحدانش)، هم‌زمان با افزایش چشمگیر شمار تحصیل‌کردگان دانشگاهی، در میانه دهه ۷۰ جامعه‌ای پدید آورد که متقاعد شده بود برای حل‌وفصل مشکلات متعدد سیاسی و اقتصادی هیچ «نوشداری» وجود ندارد و راهی به‌جز مشارکت فعالانه و صورانه در بازسازی دولت –این- برنهاد مدرن- موجود نیست. جامعه کشور می‌ایستاد که کوشش‌ش می‌کردند برای پایان‌بخشیدن به این بدون‌بنی‌نظمی‌های ویرانگر انجام شود. خرد جمعی طبقه متوسط از سال ۱۳۷۶ بی‌اعتنا به ابزارهای پرشور در جعبه‌ابزار تحول‌خواهی غیرلیبرال –انواع پروژه‌های براندازانه امتناعی شجاعانه نسبت به هرگونه تغییرات شدید اجتماعی نشان می‌داد و خواستار مجموعه‌ای بدیع از روش‌های مسالمت‌آمیز سیاسی، نهادی، اقتصادی و فرهنگی اجتماعی برای پیشروی تدریجی بود. اصرار طبقه متوسط بر دولت‌سازی در واقع دیواری قدرتمند مقابل هر پروژه‌ای بود که می‌خواست بر شانه هراس‌ها و بیم‌های اجتماعی نوعی از سیاست بنا کند که زمین را برای رواج گفتمان‌های یکسره‌کننده، اصولگرایانه، صوری با ابزارهای غیرنرم هموار می‌کند. آن چیزی که اصطلاحا اصلاحات نامیده شد در واقع چیزی نبود (و نخواهد بود) جز تلاش عمیقا روشنفکرانه، تیززد و طولانی «یک جامعه» مسالمت‌جو برای آنکه در مواجهه با اضطراب‌های بنیادین و برآمده از تهدیدهای دائمی از جانب عدم قطعیت‌های شدید –مثلا جنگی خوتین با قدرت‌های غربی، فقر ویران‌کننده، محیط‌زیست، تورم شدید، فساد اقتصادی و اداری یا تسخیر نهادهای فرهنگی و حوزه‌های کاملا خصوصی- به سیاست‌سازی‌های متحول‌کننده و پیچیده‌ای دست بزند که نظم اجتماعی را یکسره دچار آسیب نمی‌کند و مدینت را یکجا نمی‌بلعد. درواقع طبقه متوسط با خلق پروژه سیاسی اصلاحات به نیرویی تعیین‌کننده بدل شد که می‌کوشید اولاً بین چرخ‌دنده‌های شماری از سیاست‌های ایدئولوژیک گیر کند و سدی شود در برابر سرریز پیامدهای سیاسی‌ای که آسیب نظم اجتماعی را تسریع می‌کردند و دوم مقابل نیروهای اپوزیسیون خارج از کشور می‌ایستاد که کوشش‌ش می‌کردند برای پایان‌بخشیدن به این دست‌سایب‌های محدودیت‌های گریزنابذیر سیاست است و هم‌زمان کند که می‌توانست به همان اندازه -یا بیشتر- آسیب‌زا باشد. در واقع رانه اصلی این خردگرایی عمیقا سیاسی طبقه متوسط چیزی نبود به‌غیر از هراس بنیادین از بی‌نظمی شدید یا اضمحلال قرارداد اجتماعی و ابزار که آن‌هام ذات نمی‌توانست چیزی باشد جز ساخت و توسعه دولتی دموکراتیک و حاذق که قادر به تأمین شناسایی محدودیت‌های گریزنابذیر سیاست است و هم‌زمان می‌تواند راهکارهایی برای پیشروی به سمت سوبه‌هایی از مدرنیته ترسیم کند که قادر به تأمین منافع عمومی و جلوگیری از هرگونه آفت هستند. این دولت‌گرایی مملو از وقار طبقه متوسط ایران هیچ‌گاه یک ایده انتزاعی نبوده و همیشه سوبه‌های عمل‌گرایانه و عقلانیت‌گرایانه آن هویدا بوده است.

ادامه در صفحه ۸

درخواست رئیس قوه قضائیه از علمای اهل سنت:

کمک کنید، صحبت کنیم و فکری بکنیم

صفحه ۲

«شرق» در گفت‌وگو با محمدجواد حق‌شناس بررسی کرد

دعوت به گفت‌وگو و آرامش

یک ارزش است

صفحه ۲



هم‌نشانی با سیدمحمد صالح هاشمی گلپایگانی، دبیر ستاد امر به معروف

معصومه معظمی: درست زمانی که بخشی از جامعه در اعتراض به عملکرد گشت ارشاد به خیابان‌ها آمدند، مجلس شورای اسلامی برای بررسی ابعاد ماجرا جلسه‌ای غیرعلنی تشکیل داد. در این جلسه وزیر کشور، نیروی انتظامی و نماینده سپاه در خصوص ماجرا به اهالی بهارستان گزارش‌هایی دادند؛ اما برخلاف تصور عامه به جای اینکه وکلای مردم پیگیر مطالبات و خواست ملت باشند، با صدور بیانیه‌ای حمایتی به امضای ۲۳۳ نماینده از نیروی انتظامی حمایت کردند.

با این تصور که «در شرایط اعتراض‌ها و ناآرامی‌ها نباید پلیس را تضعیف کرد»؛ اما معدود نمایندگانی هم بودند که با موضوع‌گیری هایشان سعی در دلجویی از مردم داشتند و وعده پیگیری دادند. ازجمله این نمایندگان می‌توان به مسعود پزشکیان، جلال رشیدی‌کوجی، جلیل رحیمی جهان‌آبادی، احمد علیرضاییکی و غلامرضا نوری‌فرجنج اشاره کرد که از همان ابتدا با انتقاد از عملکرد گشت ارشاد خواستار بررسی موضوع و روشن‌شدن ابعاد ماجرا و پاسخ‌گویی به مردم شدند.

این گزارش را در صفحه ۵ بخوانید

یادداشت

دوگانه قدرت و قانون



کورش الماسی

درک عینی وقایع اجتماعی عیناً و بینا بی‌نیاز تدبیر راهکارهای کم‌هرزیه برای چالش‌های گوناگون اجتماعی و ملی است. بدون شک وقایع اجتماعی و سیاسی نامطلوب، خشونت‌آمیز و پرهزینه، دلایل متعدد و گوناگونی می‌تواند داشته باشد. اینکه تعلق جناحی، منفعتی و فکری افراد می‌تواند مبنای تحلیل‌های گوناگون و بعضاً متناقض از یک رخداد یا پدیده نامطلوب اجتماعی یا سیاسی مثلاً اعتراضات خیابانی باشد. شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل تحلیل‌های غیرکاربردی که مینا و دلیل عملکرد ناکارآمد برخی صاحب‌منصبان چه معناست؟ اجازه دهید تبیینی کلی و کاربردی از قانون ارائه شود. نظام مدیریت کلان، تبصر مادی مفهوم قانون به‌عنوان یک پدیده ذهنی حاکی از راسازی اهداف فردی و راهکارهای وارداتی یا تاریخی (غیرکاربردی) باشد. به بیانی، ظاهراً اتکا به اندیشه‌های وارداتی و تاریخی، جایگزین «تدبیر و تولید اندیشه‌های بومی» شده است. به عبارتی عرصه سیاسی، مملو از «اندیشه»، اما تهی از «اندیشیدن» است. تحلیل وقایع اخیر بسیار فراتر از مجال و توان یک موجد است. با این وجود تلاش می‌شود تا به نکته‌ای بنیادی از منظر عملکرد مدیریت کلان سیاسی، اشاره‌ای کلی، مختصر و کاربردی شود. به عبارتی، وقایع اخیر ناشی از «تضعیف نظم حقوقی» است. یقیناً باید پرسش شود، رابطه وقایع اخیر با نظم حقوقی (قوانین) به چه معناست؟ اجازه دهید تبیینی کلی و کاربردی از قانون ارائه شود. نظام مدیریت کلان، تبصر مادی مفهوم قانون به‌عنوان یک پدیده ذهنی حاکی از راسازی تحقق اهداف فردی، گروهی یا ملی است. به بیانی، قوانین تحت حمایت حکومت، شهروندان) در راستای تحقق اهداف فردی، گروهی یا ملی است. به بیانی، قوانین محصول درک، تشخیص و تحلیل عینی شرایط زیست انسان‌ها (شهروندان) است. به تعبیری قوانین، مواد چسبنده‌ای هستند که اجزای ساختار زیست اجتماعی یا مدنیت را به هم پیوند می‌دهند. اینکه جنس یا ژنتیک پدیده قانون در جهان معاصر، درک جمعی انسان‌ها (شهروندان) درباره لزوم رفتار و همکاری شفاف و قابل پیش‌بینی در راستای تحقق اهداف جمعی (ملی) به منظور برآوردن انواع نیازهای مشترک جمعی است. قوانین (انسان‌ساز) تجسم درک جمعی است که ساختار مدیریت کلان، تبلور عینی و عملی آن است. بنیادی و کاربردی‌ترین ویژگی قوانین اجتماعی این است که اعتبار و مشروعیت قوانین، تابع رضایت، پذیرش و نظر مساعد شهروندان نسبت به یک قانون (نظم حقوقی) است. به کلی‌ترین بیان، اعتبار قوانین تابع و برابیند این امر است که شهروندان باید در ازای تبعیت از قانون منفعتی کسب کنند. به عبارتی نظم حقوقی یک جاده دوطرفه است. نظم حقوقی از شهروندان انتظار تمکین دارد و شهروندان در ازای تمکین در برابر قانون انتظار منفعت دارند.

ادامه در صفحه ۸

دردها، رنج‌ها و غصه‌هایی که در اعتراضات و ناآرامی‌های این روزها به وجود آمده، آن‌قدر تلخ است که سال‌ها فراموش نمی‌شود و شاید برای داغ‌دیدگان و آسیب‌دیدگان به درازی یک عمر باشد و زخم‌ها هرگز التیام نیابد. تصاویر آن‌قدر دردناک هستند که همه جامعه را متأثر کرده است. فارغ از همدردی با آسیب‌دیدگان این سؤال مطرح می‌شود که جامعه با چه فرم و زبانی می‌تواند با دولت سخن بگوید. آیا این فرم‌ها را جامعه آزموده است؟ آیا مشکل این است که جامعه فرم‌ها را نمی‌شناسد یا دولت‌ها فرم‌ها را به رسمیت نشناخته‌اند و کانال‌های سخن‌گفتن، نقد و اعتراض به سیاست‌ها، قانون فعلی و سیاست‌گذاری‌ها را باریک و باریک‌تر کرده‌اند؟ از کجا می‌توان شروع کرد؟

فرم‌هایی که جامعه می‌تواند با دولت سخن بگوید و نقد و اعتراض کند عبارت‌اند از: انتخابات و صندوق رای (نمایندی)، سازمان‌ها، تشکّل‌ها و انجمن‌های اجتماعی (جامعه مدنی)، احزاب، رسانه‌ها و درنهایت اعتراضات و راهپیمایی مسالمت‌آمیز و مدنی. مسئله این است که جامعه ایران در طول سال‌ها و دهه‌ها فرم‌ها را ایجاد کرده و براساس آنها پیش رفته است و در بسیاری از سال‌ها، راهپیمایی‌ها و اعتراضات مسالمت‌آمیز به سیاست‌های خارجی و یا در حمایت از دولت‌ها به خوبی پیش رفته اما درخصوص اعتراضات مسالمت‌آمیز منتقدان و معترضان به سیاست‌ها، قوانین و رویه‌ها پیشرفتنی نداشته‌ایم و فرم‌های نقد و اعتراض به‌درستی اجرایی نشده و هر بار از طرف دولت‌ها صورت‌های نقد و اعتراض کنار گذاشته شده یا سعی شده است فرم دولت‌ساخته و محدود پیش‌روی جامعه گذاشته شود. دولت‌ها با سازوکارهای مختلف سعی کرده‌اند تشکّل‌های اجتماعی (جامعه مدنی) دولت‌ساخته و یمانتکار بوروکراسی دولت ایجاد کنند. دولت‌ها قدرت خود را در جامعه مدنی ضعیف جست‌وجو کرده‌اند که در این میان گروه‌های مختلف جامعه از سامان‌دهی خودشان در قالب تشکّل‌ها و انجمن‌های مستقل سازمان‌دهند و دولت‌ها نیز نتوانسته‌اند اطلاعات و بازخورد لازم را درخصوص سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ها و قوانین از گروه‌های مختلف جامعه به دست بیاورند. با قوانین فعلی درخصوص تشکّل سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه، جامعه مدنی عملاً تبدیل به پیچ و مهره‌های دولت شده است. اما جامعه مدنی با محدودیت‌های رسمی و قانونی در فضای شبکه‌ها و پیام‌رسان‌های اجتماعی مجازی رویت‌پذیر می‌شود و سیاست‌ها و قوانین را به چالش می‌کشد. همین مسئله درباره رسانه‌ها و مطبوعات نیز وجود دارد. بسیاری از رسانه‌ها دولت‌ساخته، دولت‌خواسته و وابسته به بوروکراسی دولت هستند و نتوانسته‌اند صدای گروه‌های مختلف اجتماعی باشند و برای سایر رسانه‌ها نیز محدودیت وجود دارد که در این حالت فضا برای رسانه‌های دروغین، معاند و نفرت‌پراکن فارسی‌زبان خارجی و همچنین رهبران کاذبی که در این رسانه‌ها از آنها سخن به میان می‌آید، باز می‌شود.

احزاب، گروه‌ها، نمایندگان و بازیگران سیاسی نتوانسته‌اند مطالبات جدید گروهی از زنان به‌ویژه جوانان را نمایندگی کنند. از نظر برخی محققان، تظاهرات خیابانی‌ها و مطالبات جمعی در جوامعی که دولت‌ها در جهت تقویت جامعه مدنی کام برنمی‌دارند و قوانین محدودکننده‌ای دارند، مخمل ثبات و نظم جامعه هستند درحالی‌که سامان‌دهی جامعه از طریق سازمان‌های بوروکراتیک نشان‌ه جامعه سالم و ثبات است. بر اساس این طرز تلقی، تضمینی نیست که مطالبات و اعتراض‌های جمعی و جنبش‌های اجتماعی منجر به سیاست‌های عمومی مثبتی شود و ویرانگر نباشد. اما در پاسخ باید گفت نوع تعامل و ارتباط دولت‌ها با مطالبات اعتراضی جامعه است که می‌تواند سوبه منفی داشته باشد. اگر دولت‌ها اعتراضات خیابانی را به مثابه سخنانی که شنیده نشده و مطالباتی که جدی گرفته نشده است تلقی کنند، مسئله متفاوت می‌شود. اعتراض جمعی و انجمنی می‌تواند به‌عنوان یک رسانه و گفت‌وگو در زمانی که سازمان‌ها ی جامعه بی‌اعتبار هستند یا به‌درستی کار نمی‌کنند، عمل کند. البته همه تشکّل‌ها و انجمن‌ها در راستای همبستگی اجتماعی کام برنمی‌دارند. گاهی روابط انجمنی و جمعی برخلاف مساوات‌طلبی، آزادی و همبستگی اجتماعی فعالیت می‌کنند اینجا خطر فرمز جامعه مدنی است و این روابط انجمنی ویرانگر را نمی‌توان مشروع دانست. ویرانگری به خاطر گسترش تنفر در جامعه است. تضاد منافع و مطالبات بیان انجمن‌ها و جنبش‌ها وجود دارد. اما هیچ انجمن و جنبشی نمی‌تواند با رواج نفرت‌پراکنی و زیر سؤال بردن آزادی و عدالت، مشروعیت داشته باشد. قوم‌مداری، خشونت‌طلبی در چارچوب جامعه مدنی قرار ندارد. اعتراض مسالمت‌آمیز که در قانون به رسمیت شناخته شده است، باید مشروع تلقی شود و سازوکارهای اجرایی آن تدوین شده و امنیت آن از طرف دولت برقرار شود. در این شرایط اعتراضات مسالمت‌آمیز می‌تواند معمول و حتی نهادینه شود. اعتراضات در گفت‌وگوی انتقادی با دولت قرار دارد؛ گاهی مطالبه‌خواهی در پیش می‌گیرد و گاهی دفاع از حق را به عهده می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۸